

همشهری

صفحه آخر

آن سیه چرده که شیرینی عالم با پوست چشم میگون لب خندان، دل خرم با پوست حافظ

مهمشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فریخی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۶۶۶۶ - تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۲۰۲۶۰۶۰، ۲۳۰۳۳۰۰۰، ۲۳۰۳۳۰۰۰

چاپ: همشهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروزیون
تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

پدیرش آگهی:
تلفن: ۸۴۲۳۱۰۰۰

حضرت امیر المؤمنین علی:

بخل، ترس و از سرشت‌هایی جداگانه است که فراهم آورنده آنها بدگمانی به خداست.

اذان ظهر: ۱۲:۰۸ - غروب آفتاب: ۱۸:۵۰
اذان مغرب: ۱۹:۰۹ - نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۲
اذان صبح فردا: ۳:۵۶ - طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۷

خوش خبر

آمادگی اربعینی هلال احمر

زمان زیادی تا سالروز اربعین حسینی باقی نمانده و خیلی‌ها خود را آماده سفر به کربلا کرده‌اند. تمامی نهادها و سازمان‌های مربوطه هم برای رفاه حال زوار، پای کار آمده‌اند و شرایطی را فراهم کرده‌اند تا این سفر به بهترین شکل برگزار شود. در حوزه امداد و درمان هم اتفاقات خوبی افتاده و انطور که رئیس جمعیت هلال احمر گفته، ۲۲ هزار امدادگر داوطلب و اعضای کادر درمانی این جمعیت به مرزهای ایران و عراق اعزام شده‌اند و پایگاه‌های امدادی در جاده‌های کشور عراق برپا و در مسیر نجف تا کربلا در فاصله هر ۷۰ کیلومتر یک پایگاه درمانی هلال احمر، مشغول خدمتگزاری به زائران اربعین (ع) می‌شود. در این مسیر ۳ بیمارستان با فعالیت مشترک هلال احمر و وزارت بهداشت عراق با آمادگی کامل مشغول خدمت‌رسانی به زائران حسینی خواهد بود. در شهر نجف علاوه بر بیمارستان امام علی (ع) که متعلق به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران است، پزشکان و پرستاران داوطلب هلال احمر در چند بیمارستان عراقی، خدمات درمانی به راهپیمایان اربعین ارائه می‌دهند.

هوای قابل قبول شهر

برای ما که ساکن تهرانیم و همیشه نگران آلوده شدن آسمان پایتخت هستیم، قابل قبول بودن هوای تهران طی چند روز خیر خوبی محسوب می‌شود. طبق اعلام شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، آلاینده شاخص هوای پایتخت در روزهای گذشته با میانگین ۱۱۹ بود و کیفیت هوای پایتخت در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس قرار داشت. اما در روزهای اخیر آلاینده شاخص «ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون» روی میانگین ۸۷ قرار گرفته و کیفیت هوادر وضعیت قابل قبولی است. برای آنهایی که نمی‌دانند باید بگوییم که کیفیت هوا به ۵ دسته اصلی تقسیم‌بندی می‌شود که براساس آن از عدد صفر تا ۵۰ در محدوده هوای پاک تعریف می‌شود؛ ۱۰۰ تا ۵۱ هوا در محدوده قابل قبول یا متوسط بوده و از محدوده ۱۰۱ تا ۱۵۰ هوا در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس قرار دارد. همچنین از ۱۵۱ تا ۲۰۰ ناسالم برای همه گروه‌ها، از ۲۰۱ تا ۳۰۰ هوا خیلی ناسالم و از ۳۰۱ تا ۵۰۰ شرایطی هوا خطرناک است.

کتابخانه تابستان

پس زدن غبار جمعه



فاطمه اشرف

ساعت ۴:۳۰ عصر جمعه بود و کم کم غبار مرموزی روی خانه و وسایل پایه می‌انداخت. غباری که دیده نمی‌شود اما هر چه

به غروب نزدیک‌تر می‌شوی، غلیظ‌تر می‌شود. باید برای راهبی از آن کاری می‌کردم. عودتی را روی جاعودی بالای شومینه، که حال‌حالتی نگاه کردن به آن هم بر گرمای مرداد تهران اضافه می‌کنند، روشن کردم. کنکرتی‌ای تا درپوش طلایی را بلی کردم و سراغ کتاب کم حجم «چیزهای کوچکی مثل اینها» رفتم. خواندن یک نفس راه کتاب راه فرار خوبی است از رخت و سات‌های پایانی هفته، کتاب کوچکی که انگار بزرگ‌ترین رسالتش همین است؛ پر کردن با کیفیت یک وقت بی‌کیفیت. کتاب را برداشتم و در همین صفحه اول احساس کردم حالا فضای خاستگی بین کلمات هم قرار است به غبار خانه و دل من اضافه شود. حتی روزهای کریسمس هم در این کتاب مگر رنگ‌تر از حالت عادی است. اما شخصیت بیل فرلانگ به اندازه‌ای خوش‌رنگ است که کتاب را ادامه دهم و کم کم دوستش داشته باشم. همسر متعادل آلین و پدر مهربان ۵ دختر، با کوله میهم غم‌انگیزی از گذشته بسر دوش و با قدم‌هایی گاه مصمم و گاه مردده به سمت آینده که «گر همه را با هم جمع می‌کنی حاصلش می‌شود یک زندگی». کتاب در ابتدا به مادران و کودکان رخت‌شوی‌خانه‌های مگدان ایرلند تقدیم شده است. کمی که پیش رفتم رد پای چند دختر از رخت‌شوی‌خانه را بین صفحات دیدم اما دیگر تنها چیزی که برام مهم بود یک نفر بود. بیل فرلانگ، رفتار او که تله گرفتاری خودم بود در بسیاری از موقعیت‌ها. «بکنه می‌توانست کاری بکند اما نکرده بود». و اصلا انتخاب بین همین بد و بدتر است که گاهی زندگی را بدجوری سخت می‌کند. فرلانگ دستم را گرفته بود و بی آنکه متوجه عبور از ساعات دلگیر جمعه شوم، من را به صفحه آخر رساند، جایی که «می‌دانست بدترین اتفاق‌ها هنوز در راه است. از همین حالا احساس می‌کرد دنیا بی از مشکلات و گرفتاری‌ها پشت در بعدی به کمینش نشسته، اما بدترین اتفاق ممکن را پشت سر گذاشته است.» حالا که او توانسته بود تصمیمی را بین کلمات کتاب بگیرد که من خیلی وقت‌ها نتوانسته بودم در بین روزهای عرم بگیرم، خیالم راحت شد، کتاب را بستم و پشت لب‌تایم نشستم و این ۳ کلمه را تایپ کردم: «ختران رخت‌شوی‌خانه مگدان» و دنباله‌های من‌نوشته‌شان رفتم. حالا دوست داشتم از آنها بیشتر بخوانم و بدانم و انگار کتاب کوچک کلر کینگ رسالتی بزرگ‌تر از پر کردن غروب جمعه‌ام داشت. نویسنده به کمک تاجر زغال سنگش، فرلانگ، غبار نامرئی اما دلگیر خانه را پس زد و هم‌زمان صدای دخترهای مظلوم ایرلندی را به گوشم رساند.



پایان خوب یک نهضت



اثر انار در جلسه تفریح

از همان سال ۱۳۵۷ که سازمان نهضت سواد آموزی به فرمان امام خمینی (ره) راه اندازی شد، سال به سال آمار باسواد بالاتر رفت و از تعداد بی سوادان کم شد. خیلی از بزرگسالان برای خواندن و نوشتن راهی این کلاس‌ها شدند، چرا که در آن زمان، هنوز تعداد بی سوادان جامعه در میان طبقات محروم به طور عموم و در میان روستائیان به طور خاص زیاد بود. حالا بعد از گذشت ۴۵ سال از شروع کار نهضت سواد آموزی، درصد باسواد کشور با توجه به جمعیت هدف ۹۰ تا ۹۹ درصد در سال اخیر است. شاید به همین دلیل است که حالا نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح انحلال این سازمان را به تصویب رسانده‌اند و قرار است کلاس‌های نهضت جمع آوری شود. البته این به معنای خشک شدن ریشه بی سوادی در کشور نیست و هنوز هم درصدی از مردم - هر چند کم - از خواندن و نوشتن محروم هستند. با این حال با توجه به تغییرات سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه و افزایش سطح سواد و فرهنگ مردم، با تصویب کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه، نهضت سواد آموزی دیگر به شکل سابق ادامه کار نمی‌دهد. یکی از اعضای این کمیسیون گفته «اعتقاد ما بر این است که نهضت در ابتدای انقلاب کار کرد خاص خود را داشته که با توجه به فراگیر شدن شرایط پست مدرن در کشور، دیگر نهضت کارگردهای سابق را ندارد.» بر اساس این مصوبه ماموریت‌های سازمان نهضت سواد آموزی به معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش داده می‌شود. البته تأکید شده که ساختار جدیدی ایجاد نمی‌شود و اگر معلمی با کار کرد سابق نهضت قصد ادامه تحصیل دارد، می‌تواند در قالب جدید معاونت آموزش ابتدایی فعالیت کند و برای او پاداش و اضافه‌کاری محاسبه خواهد شد. بنابراین دیگر معلم نهضت سواد آموزی هم ندارد و معلم‌های دوره ابتدایی در کنار کار روتین خود، به‌عنوان اضافه‌کاری می‌توانند به کسالتی بدهند. حالا باید دید که طرح ادغام نهضت سواد آموزی در وزارت آموزش و پرورش چقدر موفقیت‌آمیز خواهد بود و آیا می‌تواند باز هم آمار بی سواد را در کشور کاهش بدهد یا نه؟

زندگی پدیا

باشیم و تازه این زندگی ما آدم معمولی هاست، عکاسان که داستان مفصل و مجزایی دارند. عکاسی چنان اهمیتی دارد که امروز، روز جهانی عکاسی است. این روز در واقع روزی است که دولت فرانسه، حق اختراع پروسه داگرنو تایپ را از مخترع این فرایند، لوئی داگر خرید. در این فرایند که جزایندی مردم عالم‌مند و نقاشان حرفه‌ای، تصاویر چندانی از نقره روی صفحه‌ای مسی، می‌شد تصاویری با جزئیات بالا ثبت کرد.



پاریس، فرانسه: احتمالاً از اینکه پاریس و برج ایفل در رده اول این فهرست نیستند کمی غافلگیر شده‌باشید. این شهر، با کافه‌ها و خیابان‌ها و رودخانه‌اش، یکی از محبوب‌ترین مکان‌های گردشگری دنیاست و طبیعی است عکاس‌های زیادی از آن گرفته شود.



لندن، انگلیس: لندن هم یکی از شهرهای توریستی دنیاست که گردشگران دوربین به‌دست زیادی را به خود جلب می‌کند. این شهر جذابیت‌های بصری زیادی از آثار تاریخی و رودخانه خروشان در دل خودش دارد.



نیویورک، آمریکا: این ابو شهر آمریکایی، جذابیت بصری بی‌ظفیری دارد و نزدیک به ۶۰ میلیون گردشگری که سالانه به آن سفر می‌کنند، از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا از گوشه و کنار آن عکس بگیرند.

سفر تاریخی به دل عکاسی

عکاسی، با شستاب حرف‌او از به روز ترین فناوری‌های دنیا استفاده می‌کند و روز به روز پیشرفته‌تر می‌شود، اما برخی عکاسان، سفری معکوس را در عکاسی انجام می‌دهند و به روش‌های ده‌ها سال قبل و یا حتی قدیمی‌تر از آن چنگ می‌زنند تا عکاسی کنند. با این دیدگاه است که عکاسی با فیلم نگاهی همچنان محبوبیت زیادی دارد. به همین دیدگاه است که حتی روش‌های قدیمی‌تر هم هواداران زیادی دارد. در یک مورد اما یک مرد در انگلیس، با یک دوربین ۱۰۰ ساله عکاسی می‌کند و اتفاقاً عکس‌های خیره‌کننده‌ای هم می‌گیرد. سیمون ویلیامز که بیش‌تر معلم بوده، بعد از باز نشستی یکی از دوربین «کوداک پاناروما» در یک بازار کهنه‌فروشی پیدا کرد و اخیراً یک عکس با آن از شهر پرستول گرفته که حساسی به شهرت رسیده است. این عکس، پل معلق



کلیفتون را در حالی نشان می‌دهد که چند بالن از بالای آن عبور می‌کنند. این نوع دوربین‌ها در سال‌های ابتدایی دهه ۱۸۹۰ طراحی شدند اما تولید آنها ۲۰ سال بعد متوقف شد. سیمون گفته است که عکاسی با این دوربین قرن نوزدهمی، برای او یک چالش بزرگ بوده که حالا از آن حساسی لذت می‌برد.

دریچه

شنا؛ تمرین زندگی



همه چیز بستگی به زاویه نگاه ما دارد؛ مانند «مجدی تار» شناگر اهل غزه که در ۹ سالگی، یک پای خود را از دست داد و حالا با کمک شناگری که در مدرسه شناگری او، آموزش می‌بیند.

والدینی که برای نخستین بار فرزندان خود را به مدرسه شناگری تار می‌آورد، با دیدن مربی‌ای که با کمک ۲ عصا ایستاده تعجب می‌کنند، اما با دیدن مهارت‌های او در شنا، تردید نکرده و فرزندشان را برای آموزش شنا به او می‌سیارند. او اکنون ۴۲ سال دارد و در منطقه جنگ‌زده و محصور شده فلسطین با مشکل روبه‌رو بود، اما تلاش و میلش برای تبدیل شدن به فردی کارآمد باعث شد تا شنار را به شکل حرفه‌ای بیاموزد. او به تدریج مهارت‌هایش را افزایش داد تا اینکه موفق به تأسیس مدرسه شنا شد.

آکادمی شنا فلسطینی او را از استخری محلی برگزار می‌شود و دانش‌آموزان آن شامل ۲۰۰ جوان و بزرگسالان می‌شوند که بر اساس آمار کمیته بین‌المللی حداقل ۱۶۰۰۰۰ نفر قطع عضو را در میان جمعیت ۲ میلیون نفری غزه ثبت کرده است. به گفته خیریه اسرائیل، ۳۲ هزار نفر و پانزده نفر از کودکان این مدرسه را در دست داده‌اند. تار هدف از تاسیس این مدرسه را کمک به کودکان عنوان می‌کند که به دلیل جنگ یا حوادث مشابه آن، دچار قطع عضو شده‌اند. او در تلاش است تا علاوه بر آموزش شنا، به کودکان بیاموزد که وجود نقص در ساختار بدنی آنها نباید مانع از فعالیت زندگی عادی شود. مدرسه او نه تنها تاکنون آموزش دهد، بلکه بسیاری از آنها نیز حائز رتبه‌های خوب در مسابقات شنا شده‌اند. یکی از دلایل موفقیت این مدرسه شنا را می‌توان لذتبخش کردن آموزش با بازی و تفریح دانست؛ به طوری که هر روز پیش از شروع آموزش، کودکان وارد استخر شده و آب‌بازی می‌کنند. پس از این کار، آموزش به شکل جدی آغاز می‌شود. تلفیق تفریح و آموزش و انگیزه‌ای که تار برای بچه‌ها ایجاد می‌کند، باعث شده تا والدین، این مدرسه را به‌عنوان نخستین گزینه آموزش به کودکان دارای معلولیت جسمی خود بدانند.

بوک مارک

بابالنگ دراز

بابالنگ دراز عزیزم می‌خواهم به‌خودم تلقین کنم که زندگی فقط یک بازی است و من باید تا آنجا که می‌توانم ماهرانه و درست آن را بازی کنم...

دیالوگ

روسری آبی

رخشان بنی‌اعتماد
نویسگر، دختر غربتی پایتی بی‌کس و کار بی‌مونه تا بمیره. خوشبختی اون چیزی نیست که هر کسی از بیرون ببینه، خوشبختی تو دل آدمه. دل که خوش باشه خوشبختی...



فراخوان

بی‌تعارف و تکلف
مثل همین
سخت کوتاهی
که می‌بینید،
ما منتظریم تا
نوشته‌هایتان در باره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۰۲۶۴۶۲۲۰۰ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

